



انحصار سلاح در دست دولت باشد

اعلام موضع آیت‌الله سیدعلی سیستانی
در دیدار با رئیس هیئت نمایندگان سازمان ملل در عراق



رخداد
حقوق
۲۰۳

در مسیر عفو

توضیحات دیروز سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به هم‌میهن
درباره پرونده الهه محمدی و نیلوفر حامدی



سهم احزاب از دولت

جریان شناسی فرهاد فخرآبادی
از انتصابات انجام شده در ارکان مختلف دولت چهاردهم



ویژه‌نامه تهران دوست داشتی
۱۶ صفحه ضمیمه امروز روزنامه هم‌میهن



سمیه متقی
دبیر گروه سیاست

«در کشور ما اظهارنظرها بدون توجه به عواقب آنها صورت می‌گیرد که می‌تواند به عنوان یک سند در دادگاه و محکمه بین‌المللی به کار بیاید. دادگاه‌ها در آمریکا که به ناحق ایران را

محکوم می‌کنند، مقدار زیادی از مستنداتشان اظهارنظرها و بیانه‌های مقامات ایرانی است. ما وقتی صحبت می‌کنیم و به هیجان می‌آییم متوجه نمی‌شویم که اظهارات یک مقام دولتی حرف‌هایش سند است و می‌تواند ایجاد مسئولیت کند.» این سخنان محمدجواد ظریف، معاون راهبردی رئیس‌جمهور است که فایل تصویری آن چندی پیش منتشر شد؛ موضوعی که البته از سوی بسیاری از تحلیلگران سیاسی و بین‌المللی نیز بیشتر مطرح شده و این گلابه‌مندی، انتقاد و اعتراض بارها به‌ویژه در برهه‌های حساسی مثل مذاکرات برجام، امضای توافقنامه‌ها و رخداد‌های بین‌المللی به میان آمده و بحث‌برانگیز شده بود. اخیراً البته بار دیگر موجی از این دست سخنان و فضا سازی را شاهدش بودیم؛ اظهارنظرهایی درباره حمله به اسرائیل و درگیری مستقیم ایران با اسرائیل و جنگ با آن. ←

از ادعای مصوبه شورای عالی امنیت ملی تا فرمان حمله به نفتکش‌ها

خط‌دهی تندروها

برای کشیدن پای کشور به جنگ



بازگشت خوردگان

روایت زنان و کودکان مهاجر که پس از دستگیری در خیابان به اردوگاه‌ها فرستاده و رد مرز شده و با قاچاق‌برها بازگشتند

هر چند خبرگزاری اصول‌گرای تسنیم با استناد به خوش‌و‌بش و روبوسی پایان جلسه دیروز شهردار و اعضای شورای شهر تهران نتیجه گرفته سؤال کنندگان قانع شدند اما اظهارات جعفر تشکری هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل که سوالات اصلی را طرح کرد هرگز این ادعا را تأیید نمی‌کند؛ چرا که او به صراحت گفته است آقای زاکانی به بسیاری از سوالات یا پاسخ نداد یا پاسخ روشنی نداد و ابهامات همچنان باقی مانده اما نکفت چگونه پی‌گیری می‌کنند و به رئیس شورا محول کرد. آقای تشکری دلیل خوش‌و‌بش پایان جلسه را هم که مستند ادعای قانع شدن قرار گرفته این نکته اعلام کرده که «می‌خواستیم بگوییم ما مشکل شخصی نداریم ولی پای حقوق شهروندان ایستاده‌ایم و کوتاه نمی‌آییم.» با توجه به اینکه شمار اعضای منتقد زاکانی در شورا به اندازه‌ای نیست که به استیضاح او بینجامد مضافاً به این که مهدی چمران رئیس شورا نرفته‌ها با استیضاح موافق نیست بلکه عملاً از شهردار حمایت می‌کند و از عمر شورای فعلی هم کمتر از یک سال باقی مانده، بعید است کار به استیضاح و عزل شهردار بکشد اما ناظران تصدیق می‌کنند انتخابات ریاست جمهوری در تیر ماه علیرضا زاکانی را در موقعیت دشواری قرار داده است. رفتارهای واقعا زنده او در مناظره‌ها با وعده‌های پوچ و بوک و ادعای ماندن تا پایان انتخابات و پوششی نبودن ولی ناگهان کنار کشیدن با پرنسیپ مورد انتظار از کسی در جایگاه شهردار تهران آشکارا تعارض داشت و دارد و بعد از انتخابات هم عملاً برای اصلاح آن روند کام مؤثری برداشته و به همین خاطر به نظر می‌رسد برخی از اعضای شورای شهر تهران بر آن شدند دست کم آبروی خود را به او گره نزنند. ←



جامانده

شهرداری روی دست
اعضای شورای شهر

در پاسخ به اعضای شورای شهر درباره ون‌های گمشده و ساخت مسکن

زاکانی مخالفان را قانع نکرد

بدون تردید بخش مهمی از جامعه ایران نگران سیاست‌های غیرمسئولانه تندروهایی هستند که در جریان انتخابات تابستان ضربه سنگینی خوردند. همچنین تردیدی نیست که اغلب تبلیغات انتقامی آنها برای فضا سازی است و نهادهای عالی نظام اصالتاً به آنها توجهی نمی‌کنند، از جمله اظهارات آنان پس از ماجرای ترور اسماعیل هنیه در تهران فراموش نشده است، و ایران پس از جنایات اسرائیل در لبنان بود که تصمیم به واکنش گرفت. بنابراین، اکنون هم پس از حمله دوباره اسرائیل آنان فشار مضاعف تبلیغاتی وارد کرده‌اند تا سیاست خود را بر مسئولین تحمیل کنند. همانطور که گفتیم؛ گمان نمی‌رود که نهادهای مسئول تحت تاثیر این تبلیغات قرار گیرند. ولی این مسئله عوارض مهم دیگری دارد که نباید به‌سادگی از کنار آن گذشت. این تبلیغات و حتی استناد کردن به مصوبات شورای عالی امنیت ملی که قاعدتاً سری و به‌کلی سری است و کسی نباید آنها را افشا کند؛ یا دستور حمله به ناوگان کشورهای منطقه و حتی دوست، چه هدفی را دنبال می‌کند؟ هدف این است که بگویند، فقط یک سیاست و یک صدا در جامعه وجود دارد و همه مسئولین باید از آن تبعیت کنند. اولین عارضه چنین رفتاری این است که اگر نهادهای تصمیم‌گیر چنین سیاستی را پیشه کنند، مردم گمان خواهند کرد که تحت تاثیر تندروهای غیرمسئول بوده و واجد منطقی که رهبری نظام تعیین کرده‌اند، نیست؛ در نتیجه از اعتبار آن تصمیم کاسته می‌شود و حمایت کمتری را جلب خواهد کرد. این، بزرگترین ضربه به هر سیاست احتمالی خواهد بود. اگر هم پاسخی ندهند یا پاسخ داده‌شده مطلوب تندروها نباشد، آنها نیز متقابلاً واکنش نامناسبی علیه سیاست‌گذاران بروز خواهند داد. پرسش این است که چرا این جوسازی در حال انجام است؟ مگر به نهادهای عالی تصمیم‌گیر اطمینانی ندارند؟ اگر ندارند خیلی صریح اعلام کنند. اگر اعتماد دارند چرا برای آنها فضا سازی می‌کنند؟ آیا دیگری هم که مخالف این رویکرد هستند، می‌توانند و حق دارند که تحلیل خود را آشکارا بیان کنند؟ ←

سرمقاله